

نه به تروریسم مذهبی، نه به تروریسم دولتی سرنگونی نظام سرمایه، ضامن صلح جهانی است

جو بایدن رئیس جمهور ایالات متحده امریکا اعلان کرد که بتاريخ ۳۱ جولای ۲۰۲۲ از طریق یک حمله هوایی ایمن الظواهری رهبر شبکه تروریستی القاعده را در کابل از بین برده است و با این شهکار تاریخی از استقرار عدالت سخن گفت. دولت امریکا که خود تولید کننده و حامی تروریسم در سراسر جهان است، هرگز نمیتواند قهرمان مبارزه ضد تروریسم باشد. مگر هیلری کلینتون وزیر خارجه سابق امریکا خود اعتراف نکرد که «نیروهای که ما امروز با آنها می جنگیم ۲۰ سال قبل آنها تمویل می کردیم»؟ مگر جان بولتون مشاور امنیت ملی سابق امریکا اعتراف نکرد که در کشورهای مختلف از جمله امریکای لاتین کودتاها را سازماندهی کرده است؟

مگر ما همین چند سال پیش شاهد جنگ و خونریزی و عملیات تروریستی امریکا و متحدینش در عراق، لیبیا، سوریه و افغانستان نبودیم؟ مگر امریکا بنیادگرایی اسلامی و احزاب مجاهدین را در دوران اشغال افغانستان توسط شوروی، خلق و پرورش ندادند و بعد طالبان را ایجاد نکردند؟ مگر داعش نسخه جدید القاعده، تولید امریکا نیست؟ مگر در دوران اشغال افغانستان توسط امریکا بیش از ۲۰ گروه اسلامی تروریستی در افغانستان ایجاد نشدند؟ بنارین، آیا حرف زدن امریکا از «استقرار عدالت» و مبارزه علیه تروریسم مسخره و عوامفریبی نیست؟

حقیقت اینست که حکومت و حزب دموکرات امریکا در استانه اولین سالگرد به قدرت رسیدن طالبان و شکست شرم آورش در افغانستان، بحران اقتصادی و تورم بی سابقه در امریکا، پایین آمدن محبوبیت اداره جوبایدن، سناریوی قتل رهبر القاعده را براه انداختند تا ذهنیت مردم امریکا را منحرف بسازد.

مردم افغانستان هرگز فراموش نمی کند و هرگز نمی بخشد که حکومت امریکا چگونه طی یک معامله در فیروزی ۲۰۲۰ در دوحه قدرت را به یک گروه وحشی، ضد زن و ضد علم بنام طالبان تحویل دادند و آنها را بر سرنوشت ۴۰ میلیون انسان و از جمله ۲۰ میلیون زن افغان مسلط ساختند.

مردم افغانستان هرگز فراموش نمی کند که چگونه طیاره های امریکایی دهها تن جوانان را که می خواستند از دوزخ ساخته امریکا در افغانستان فرار کنند، از فضا به زمین پرتاب کردند. امروز وضعیت فاجعه بار افغانستان و محرومیت از تحصیل، کار و شکنجه زنان توسط طالبان نتیجه سیاست منفعت طلبانه امریکا و متحدین عمده اش مانند انگلستان، فرانسه و جرمنی است.

سرمایه داری بخاطر کسب سود و امپریالیسم امریکا بخاطر حفظ هژمونی شان بر جهان، حاضر به ارتکاب هر نوع جنایت و پایمال نمودن هر ارزش انسانی و اخلاقی است. آنها از دین بخصوص اسلام بمثابه یک وسیله جهت ضربه زدن به دشمنان استراتژی یک شان استفاده میکنند. زمانی نیروهای تندرو اسلامی را ایجاد میکند و آنها را قهرمان میسازد، اما وقتی که تاریخ انقضای شان میرسد و دیگر نمی تواند اهداف تعیین شده امریکا را برآورده سازد، آنها را به نحوی از بین می برد. در افغانستان احزاب بنیادگرای اسلامی و مجاهدین را در جنگ علیه شوروی و حکومت نجیب الله (۱۹۷۹ تا ۱۹۹۲) استعمال کردند و بعد مجاهدین را توسط طالبان در ۱۹۹۶ از قدرت بیرون ساختند. در سال ۲۰۰۱ امریکا به بهانه حمایت طالبان از شبکه القاعده و اسامه بن لادن، بر افغانستان حمله کرد و حکومت طالبان را سرنگون ساخت. امریکا هم از ایجاد و حمایت نیروهای تروریستی نفع می برد و هم در نابودی اش با تبلیغات گسترده خود را ضد تروریسم معرفی میکند.

وقتی جنگ افغانستان برای امریکا خلاف پیشبینی اش طولانی و پر هزینه شد، از حکومت فاسد و دستنشانده اش در کابل بیزار گردید، سعی نمود که با طالبان و شبکه حقانی وارد معامله شود تا بتواند اهداف و اجندای تعیین شده خود را بجای

حکومت اشرف غنی توسط طالبان علیه روسیه، آسیای میانه، چین و ایران تطبیق نماید. بنابر همین تمایلات بود که امریکا فکر و اندیشه و اعمال طالبان را به حیث یک گروه مذهبی افراطی، تروریستی، ضد علم و ضد زن نادیده گرفته و قدرت را برایش تفویض نمود. بنابر همین تمایلات بود که امریکا اکثر رهبران طالبان را که در لیست سیاه ملل متحد و امریکا بودند، تسهیلات مسافرت به خارج و مشروعیت سیاسی داد. سراج الدین حقانی بمتابه رهبر شبکه حقانی و مسوول سازماندهی ۱۱۰۰ حمله انتحاری در افغانستان که بخاطر شناسایی، دستگیری یا قتل او ۱۰ میلیون دالر جایزه گذاشته است، در پیش چشم امریکا به راحتی بحیث وزیر داخله طالبان فعالیت میکند. اما الظواهری ۷۱ ساله که طی بیست سال آخر کدام فعالیت جدی ضد امریکایی نداشته، مهم تراشیده میشود و با عملیات خاص از بین میرود!

این عملیات تروریستی امریکا در کابل ثابت ساخت که هنوز استخبارات و نیروهای نظامی امریکا در کابل حضور دارند و از منافع امریکا با هزینه کمتر دفاع میکند. طالبان خلاف ادعای مستقل بودن شان، نه بر حریم زمینی و نه فضایی افغانستان حاکمیت دارند. طبق یک تحقیق موسسه ایروارز، طی بیست سال آخر در هفت منطقه جنگی بیش از ۹۱۰۰۰ حمله هوایی صورت گرفته که در آنها حد اقل ۲۲۶۷۹ و احتمالاً ۴۸۳۰۸ فرد ملکی کشته شده اند.

برای مردم افغانستان این مهم نیست که قتل الظواهری در پی معامله بین سی آی ای و آی ایس آی پاکستان صورت گرفته یا بین شبکه حقانی و بخش دیگری طالبان تا به این صورت پاکستان بتواند قروض هنگفت را از آی ایم ایف و امریکا بدست آورد و خود را از بحران حاد اقتصادی و خیزش های مردمی موقتا نجات دهد؛ و یا طالبان پول منجمد شده مردم افغانستان را از امریکا بگیرد و راه برسمیت شناختن شدن حکومت توتالیتر خود را هموار سازد، بلکه مهم اینست که این همه غوغا برای کشتن یک فرد از شبکه تروریستی به هیچ گونه نمی تواند به حال مردم امریکا و افغانستان مفید باشد و به معنی «محو تروریزم» و «استقرار عدالت» تلقی گردد. این اکشن های جیمزباندی شاید برای اطفال سیاسی مورد مصرف داشته باشد تا برایش کف بزنند اما هرگز نمی توانند مردم صلحدوست و ضد جنگ و ضد سرمایه داری امریکا و مردم رنج دیده افغانستان را فریب دهد.

مردم افغانستان و امریکا بدرستی میدانند که صلح و عدالت تنها با اتحاد و همبستگی بین کارگران و زحمتکشان جهان و مبارزه مشترک شان علیه نظام سرمایه داری ممکن است. تنها با سرنگونی مالکیت خصوصی و اشتراکی ساختن وسایل تولید است میتوان عدالت و برابری را تامین کرد و جهان فارغ از جنگ و تهدید تروریزم مذهبی و دولتی را برای بشریت به ارمغان آورد.

چپ رادیکال افغانستان

اگست ۴، ۲۰۲۲

افغانستان